



شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم آموزشی در فضای مجازی برای گذر از بحران‌ها: یک مطالعه پدیدارشناسی

جعفر فریدی*

ابوبال سعادتی شامیر**

صادق رضایی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم آموزشی در فضای مجازی برای گذر از بحران‌ها بوده است. روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناسی تجربی است. جامعه آماری پژوهش که شامل کلیه متخصصان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت در استان آذربایجان شرقی بودند که مشارکت کنندگان در این پژوهش به روش هدفمند انتخاب و با ۲۵ نفر از متخصصان حوزه آموزش مصاحبه عمیق انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختارمند انتخاب شده است. در این پژوهش مصاحبه‌های ضبط شده به صورت کتبی ثبت شدند و از طریق تحلیل مضمون به روش هفت مرحله‌ای کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. تحلیل تجارب زیسته مشارکت کنندگان موجب شناسایی و دسته‌بندی و استخراج مقوله‌های اصلی «چالش‌های فردی»، «چالش‌های اجتماعی» و «فرصت‌های فردی» و «فرصت‌های اجتماعی» شد. در ادامه از مقوله‌های اصلی ذکر شده، مقوله‌های فرعی چالش‌های فردی مشتمل بر ایجاد هویت پنهان، خود کنترلی کاذب، عدم خود مدیریتی، عدم رشد تفکر انتقادی، کسالت تحصیلی و چالش‌های اجتماعی شامل انزوای اجتماعی، حذف تعاملات سنتی معلم-دانش آموز، نداشتن محدودیت‌های اخلاقی، مخدوش شدن روابط والد-فرزند و فرصت‌های فردی شامل امکان توسعه ایده‌ها، افزایش اطلاعات عمومی، امکان مشارکت در تولید محتوا و فرصت‌های اجتماعی شامل تعامل فعال با سایر مخاطبان، اشتراک گذاری ایده‌ها، توسعه سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی مخاطب از فرایند آموزش و پرورش، استخراج شدند. یافته‌های این پژوهش توازن تصویر روشنی از فرصت‌ها و چالش‌های آموزش در فضای مجازی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها:

فضای مجازی، مدارس، بحران، سیستم آموزشی

* دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علوم تحقیقات تهران

** استادیار گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

*** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه امین (نیروی انتظامی) تهران

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: صادق رضایی [sadehrezae61@gmail.com](mailto:sadeghrezae61@gmail.com)

مقدمه

در دو سال اخیر با بروز بحران‌های همه‌گیر چون شیوع ویروس کووید-۱۹، اهمیت توجه به شیوه‌های جایگزین آموزش سنتی را در مواقع بروز بحران‌ها مشخص ساخته است (Antonopoulou, Halkiopoulos, Barlou and Beligiannis, 2021). در زمان بروز بحران‌ها عدم حضور فیزیکی در محیط‌های آموزشی چالش‌هایی را در مسیر یادگیری یادگیرندگان در محیط‌های رسمی آموزشی ایجاد کرده است به گونه‌ای که با تدارکات و چالش‌های عملی در حین انتقال دانش آموزان به یادگیری آنلاین مواجه شدند (Bailey, 2020). همین امر منجر به ایجاد اختلال در یادگیری سنتی دانش آموزان از جمله حالت‌های (مباحثه حضوری و گروهی)، بسته شدن کتابخانه‌ها، تغییر راه‌های ارتباطی با معلمان و پشتیبانی اداری دانشگاه‌ها و شیوه‌های ارزشیابی جدید شد (Rose, 2021).

دانش آموزان قشر مهمی از افراد جامعه محسوب می‌شوند که به دلیل داشتن نیازهای خاص این دوره تحصیلی از جمله چالش‌های تحصیلی در دانشگاه، مسائل مالی و ارتباطی در بین دانش آموزان، استرس انتقال زندگی به دوره بزرگسالی (Arnett, 2000) و استرس سازگاری با زندگی دانشگاهی (Bland, Melton, Welle and L. Bigham, 2012)، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک جمعیت آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند که در مقایسه با جمعیت عمومی از سطوح بالاتری از اضطراب، افسردگی، سوءمصرف مواد و اختلال در خوردن رنج می‌برند (Cameron and Rideout, 2020)؛ بنابراین هنگامی که با وقوع بحران تجربه آموزشی آن‌ها به‌طور اساسی تغییر می‌کند بار سلامت روان این جمعیت آسیب‌پذیر تشدید می‌شود و یک تجربه آسیب‌زا تلقی می‌شود (Serrano Sarmiento, Sanz Ponce and González Bertolín, 2021) به طوری که افراد با بروز بحران در زندگی روزمره خود، فراوانی بیشتری از شدت ناراحتی روانی، مانند افزایش علائم اضطراب و افسردگی، انطباق با رفتارهای ناسازگار و کیفیت خواب ضعیف تجربه می‌کنند (Charles, Strong, Burns, Bullerjahn and Serafin, 2021).

با توجه به موارد ذکر شده برای مواجهه با تغییر و تحولاتی که در آینده نه چندان دور در اثر فناوری‌های نوین در عرصه آموزش و یادگیری روی خواهد داد، چاره‌ای به جز تغییر نگرش

معلمان، دانش آموزان و خانواده‌های آن‌ها وجود نخواهد داشت. علی‌رغم چالش‌های فراوان در این زمینه در بحث آموزش و یادگیری بحران‌ها به عنوان یک فرصت یا حتی پیش‌تصویر نمایان شده از چشم انداز آینده تلقی کرد و با شناسایی ظرفیت‌ها و در عین حال کمبودهای آموزشی معلمان در شرایط فعلی نسبت به برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های آتی اقدام نمود.

این در حالی است که یافته‌های تجربی نیز از مبانی نظری این حوزه حمایت می‌کند. به طور مثال در پژوهش (Ang, Shorey, Lopez, Chew, & Lau, 2021) مشخص شد که همه‌گیری کووید-۱۹ تغییرات ناگهانی متعددی از جمله تعطیلی مدارس و اقدامات فاصله‌گذاری اجتماعی را ایجاد کرد که تعامل فیزیکی بین دانشجویان را محدود می‌کند؛ که به نوبه خود رقابت‌پذیری ناشی از مشارکت‌های طبقه‌بندی‌شده، ممکن است بر رفتار آن‌ها تأثیر بگذارد تا از همسالان خود بهتر عمل کند و این حس یک محیط «بی‌خطر» را ایجاد می‌کند. همچنین پژوهش (Hildebrandt, 2020) نشان می‌دهد که در دوران وقوع بحران میزان خلاقیت دانشجویان هنر افزایش یافته است.

بروز بحران‌ها سیستم‌های آموزشی را مجبور ساخت تا شیوه آموزشی خود را تغییر داده و طی مدت زمانی بسیار کوتاه به آموزش‌های آنلاین رو بیاورند؛ این موضوع گرچه به باور برخی پژوهشگران همچون (Flores, 2020; Civil et al, 2020) نوید تغییر و تحولاتی شگرف در حوزه آموزش و یادگیری را به همراه دارد؛ اما به باور برخی دیگر همچون (Hadar et al, 2020) معلمان را با موقعیتی روبرو ساخته که به نظر می‌رسد از آمادگی چندانی برای رویارویی با آن برخوردار نبوده‌اند.

تحقیقات گذشته در خصوص تأثیرپذیری سیستم‌های آموزشی در زمان وقوع بحران نشان از لزوم تغییر به سمت روش‌های جدید آموزشی در بستر مجازی است. در بین تحقیقات داخلی (Mirani et al, 2021) در پژوهشی برگزاری همایش‌های آنلاین، دوره‌های آموزش مجازی موازی، برگزاری اجلاس‌های آنلاین متعدد، هماهنگ‌سازی ساعات آموزش با نیاز دانشجویان، همکاری با گروه‌های آموزشی دیگر، حضور مستمر در جلسات متنوع آنلاین، ارتباط دانشجویان با یکدیگر، جلسات آموزشی آنلاین و رابط کاربری آسان نرم‌افزاری برای ارائه آموزش بهتر در زمان وقوع بحران‌ها را مفید و ضروری ارزیابی کردند. (Mohagheghi & et al, 2022) در پژوهشی حفظ و ارتقای ابعاد اجتماعی، روانی و معنوی سلامت، تبیین و تحقق عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، امیدبخشی و امیدآفرینی را برای مقابله با وقوع بحران‌ها در سیستم‌های آموزشی مؤثر دانستند.

(Ramezani, Aalaa, Norouzi, 2020) آموزش مهارت‌ها، تأکید بر شایستگی‌ها و دستاوردهای یادگیری، اصلاح روند ارزشیابی، فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر استناد دارد، بهره‌مندی از رویکردهای آموزشی منعطف، یادگیری در گروه‌های بزرگ، گروه‌های کوچک، یادگیری فردی و توجه به مواد یادگیری متنوع و بازنگری و تغییر در تدوین محتوای برنامه‌های درسی را به عنوان سیاست‌های آموزشی در زمان وقوع بحران‌ها قلمداد کرد. به زعم (Hajizadeh, Azizi, & Keyhan, 2021) کاهش بهداشت روانی، بروز و ترویج ارزش‌های غیراخلاقی، بروز آسیب‌های اجتماعی، افزایش آسیب‌های جسمانی، کاهش کیفیت آموزشی، بروز مشکلات خانوادگی، افزایش رفتار غیرمولد دانش‌آموز، افت تحصیلی دانش‌آموزان، فرسودگی شغلی معلمان، عدم تحقق عدالت آموزشی، ضعف ارزشیابی به صورت عینی و کاربردی، پشتیبانی فنی ناکارآمد شبکه، عدم تناسب محیط خانگی برای آموزش، نبود برنامه راهبردی برای آموزش مجازی، مشکلات اقتصادی خانواده، عدم تناسب آموزش مجازی با دروس عملی و آزمایشگاهی، محدود شدن تعاملات انسانی، فقدان دانش و پذیرش تکنولوژیکی و عدم تناسب محتوای آموزش مجازی از جمله چالش‌های سیستم‌های آموزشی در بستر فضای مجازی است. (Kordlo & Moradi, 2019) در پژوهشی تنگناهای اخلاقی بهره‌مندی از آموزش الکترونیکی را در سه بعد مورد بررسی قرار داده‌اند. تنگناهای اخلاقی مربوط به مربوط به استاد شامل نقض حریم خصوصی، محدودیت دسترسی به استادان، ضعف روابط استاد و دانشجویان و فقدان الگوگیری اخلاقی از مدرسان است. تنگناهای اخلاقی مربوط به مربوط به دانشجویان شامل عدم صداقت آکادمیک، ترویج فریب‌کاری، کاهش تعهد و پایبندی و سوء استفاده از فناوری است. تنگناهای اخلاقی مربوط به مربوط به دانشگاه نیز شامل فقدان جنبه تربیتی و پرورشی، پاسخ‌گویی کم به دانشجویان، برگزاری ضعیف دوره‌های مهارتی و نقص در سیستم ارزیابی و وجود حباب نمره است.

در بین تحقیقات خارجی (Shenoy, Mahendra and Vijay, 2020) نشان دادند در بحران گسترش ویروس کرونا سیستم‌های آموزشی کشور هند با چالش جدی روبرو شدند و تغییر رویه‌های سنتی آموزش به مجازی و انطباق با فناوری‌های نو و تعاملات مجازی در بین فراگیران مورد توجه قرار گرفته است. (Linden, Monaghan, Zheng, Rose and Mahar, 2021) در بررسی اثرات روانی وقوع بحران گسترش ویروس کرونا بر روی دانشجویان و تأثیر آن بر میزان یادگیری

به این نتیجه رسیدند که با ارتقاء تاب آوری دانشجویان، تغییر رویه های آموزش سنتی و حضوری به بستر فضای مجازی می توان برخی از مسائل را مرتفع کرد. (Fernandes, Mahendiran & Balasudarsun, 2023) تغییر محتوا، نحوه مشارکت دانش آموز و ارزیابی فردی را به عنوان چالش های آموزشی زمان وقوع بحران ها شناسایی کردند. در این بین قدرت خرید تجهیزات الکترونیکی، مهارت های دیجیتال، محیط مطالعه و حواس پرتی چالش هایی هستند که از نظر شخصی مورد توجه بوده است. ارتباط شخصی و شدت تعامل، چالش هایی است که از نظر چالش های اجتماعی به آن پرداخته شده است. در پژوهش (Meletiou-Mavrotheris, Konstantinou, Katzis, Stylianidou, & Sofianidis, 2023) دیدگاه معلمان دبستانی در مورد تدریس از راه دور ریاضیات مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد معلمان چالش های جدی در خصوص تغییر رویه های آموزشی به کمک فضای مجازی داشتند و تغییر محتوای آموزشی و شیوه های آموزشی نیز در این پژوهش مورد توجه بوده است. (Tzankova & et al, 2023) آموزش در بستر اینترنت در زمان گسترش ویروس کرونا را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش بر تقویت روابط معلم و دانش آموز و یادگیری مشارکتی به منظور بهبود آمادگی مدارس برای انتقال دیجیتال در داخل و خارج از شرایط اضطراری تاکید می کند.

سیستم های آموزشی برای گذر از بحران ها با چالش ها و فرصت هایی روبرو هستند و به نظر می رسد گسترش ویروس کرونا در ابعاد وسیع در کشور ایران و حذف آموزش حضوری و گرایش به ارائه خدمات در بستر اینترنت مسائل و چالش های جدیدی در ابعاد فردی، اجتماعی و فرهنگی برای دانش آموزان، معلمان و مدیران ایجاد کرده است و تأثیرات ماندگاری در زندگی دانش آموزان گذاشته است و وابستگی زیادی به فضای مجازی در بین دانش آموزان ایجاد کرده است. این تغییرات تأثیرات منفی زیادی نیز با خود به همراه داشته است که نسل نوجوان و جوان را با مخاطرات جدیدی روبرو ساخته است.

با وجود نتایج پژوهش های گاه "ضد و نقیض، ضروری است تا چالش ها و فرصت های آموزش در فضای مجازی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. پژوهش های کیفی قابلیت ها و برتری چشمگیری، در شناخت عمیق پدیده ها و تبیین تجربه های واقعی دارند. لذا می توان با بررسی تجربیات معلمان فلسفه تعلیم و تربیت از دیدگاه پدیدار شناختی، چالش ها و فرصت های فضای

مجازی مورد بررسی قرار گیرند. تا زمینه‌های لازم برای فهم بیشتر این فضا فراهم کرد و در نهایت از نتایج آن برای توسعه راهبردهایی برای کمک به محصلان برای ارتقای عملکرد استفاده کرد. مسئله مورد توجه در این پژوهش به چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم آموزشی مدارس در فضای مجازی برای گذر از بحران‌ها اشاره دارد و در این زمینه به سؤالاتی چون چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم آموزشی مدارس در فضای مجازی برای گذر از بحران‌ها چیست؟ پاسخ خواهد داد.

روش

پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از نظر روش مطالعه‌ای کیفی است. از بین انواع روش‌های کیفی این مطالعه به روش پدیدارشناسی توصیفی با رویکرد کلایزی انجام گرفت. الگوی کلایزی شامل هفت مرحله است که مرحله اول شامل خواندن دقیق همه توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان است و در مرحله دوم به استخراج عبارت‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده مورد نظر پرداخته می‌شود و در مرحله سوم و چهارم پس از مفهوم بخشی به جمله‌های مهم استخراج شده، توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص مرتب می‌شوند و همچنین در مرحله پنجم و ششم همه نظرات استنتاج شده به توصیف‌های جامع و کامل تبدیل شده و سپس این توصیفات کامل به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر تبدیل می‌شوند و در نهایت در مرحله هفتم معتبر سازی نهایی صورت می‌گیرد.

در پژوهش حاضر از میان جامعه آماری پژوهش که شامل کلیه متخصصان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت در استان آذربایجان شرقی بودند. جامعه آماری بر اساس رشته تحصیلی مرتبط با تعلیم و تربیت و داشتن تجربه علمی و عملی در سیستم‌های آموزشی انتخاب شدند و شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان، سرگروه‌های آموزشی، معلمان و دبیران و مدیران آموزشی با سابقه بالای ۵ سال انتخاب شدند. مشارکت کنندگان در پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به تعداد ۲۵ نفر انتخاب شدند. به دلیل نیاز به منابع اطلاعاتی کلیدی در این حوزه از روش نمونه‌گیری هدفمند (Patton, 2002) استفاده شده است. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که به

اشباع در اطلاعات گردآوری شده دست پیدا کردیم. اشباع نظری به عنوان مهم‌ترین شاخص در مشخص کردن تعداد نمونه در مطالعات کیفی مطرح است (Hennink, Kaiser, & Marconi, 2016). پس از مصاحبه با شرکت‌کننده بیست و سوم، داده‌ها به اشباع رسیده بود ولی برای اطمینان خاطر با نفرات باقی‌مانده نیز مصاحبه انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده شد که در این پژوهش مدت مصاحبه حدود ۴۵ دقیقه بود که تا زمان اشباع داده‌ها مصاحبه ادامه داشت. پس از کسب رضایت از شرکت‌کنندگان، مکالمات آنان ضبط گردید و متن مصاحبه به صورت مکتوب تهیه شد و پس از بررسی‌های مکرر، مضامین اصلی و فرعی استخراج شد. قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی از طریق باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری، حاصل می‌شود (Okeke & Wyk, 2015). در این پژوهش، قابلیت اعتماد نتایج از طریق بررسی داده‌ها و ثبت و ضبط جزئیات پژوهش، سه‌سویه‌سازی داده‌ها، تشریح انبوه و غنی داده‌ها یا پرمایگی اطلاعات و طولانی کردن فرایند مصاحبه‌ها برای فهم عمیق موضوع، هدایت دقیق جریان مصاحبه، مشارکت اعضا در کدگذاری داده‌ها بدست آمده است. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، پس از توضیحات لازم در رابطه با اهمیت و اهداف پژوهش، رضایت شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش و ضبط مصاحبه اخذ شد و به آنان توضیح داده شد که اطلاعات آنان محرمانه خواهد بود و فایل‌های ضبط‌شده پس از بررسی حذف خواهند شد. همچنین آن‌ها می‌توانند در هر مرحله از پژوهش انصراف خود را از پژوهش اعلام نمایند و در صورت تمایل می‌توانند از نتایج پژوهش مطلع شوند.

یافته‌ها

بر اساس تحلیل داده‌های مربوط به متغیرهای رسته شغلی و سابقه و جنسیت نمونه آماری مشارکت‌کننده آورده شده است. بر این اساس از منظر تجربه بالاترین تجربه با ۲۱ سال و پایین‌ترین سابقه با

- 1 - Data Saturation
- 2 - Credibility
- 3 - Transferability
- 4 - Dependability
- 5 - Confirmability

۸ سال در پژوهش مشارکت داشتند. از بین مصاحبه شوندگان ۱۵ نفر مرد و ۱۰ نفر زن می‌باشند. مشخصات افراد مصاحبه شونده در جدول شماره ۱ به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول (۱): مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	تخصص	سابقه
۱	مرد	۴۱	دانشیار فلسفه تعلم و تربیت	۱۲
۲	زن	۳۶	استادیار مدیریت آموزشی	۹
۳	مرد	۴۴	دانشیار مدیریت آموزشی	۱۴
۴	مرد	۴۱	دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت	۱۵
۵	مرد	۴۲	استادیار تکنولوژی آموزشی	۱۱
۶	مرد	۳۷	استادیار فلسفه تعلیم و تربیت	۸
۷	زن	۴۵	دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت	۱۷
۸	مرد	۴۲	استادیار تکنولوژی آموزشی	۱۵
۹	زن	۳۸	دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت	۱۶
۱۰	زن	۳۸	استادیار مدیریت آموزشی	۱۲
۱۱	مرد	۴۲	استادیار فلسفه تعلیم و تربیت	۹
۱۲	مرد	۳۸	استادیار تکنولوژی آموزشی	۸
۱۳	مرد	۳۹	سرگروه آموزشی	۱۸
۱۴	مرد	۴۸	سرگروه آموزشی	۲۲
۱۵	زن	۵۱	سرگروه آموزشی	۲۷
۱۶	مرد	۴۸	کارشناس تکنولوژی	۱۹
۱۷	زن	۴۳	سرگروه آموزشی	۱۰
۱۸	زن	۳۸	آموزگار	۱۲
۱۹	مرد	۳۶	دبیر	۱۶
۲۰	زن	۴۵	دبیر	۱۰

۲۱	مرد	۵۱	دبیر	۱۹
۲۲	مرد	۳۷	مدیر مدرسه	۲۲
۲۳	زن	۳۶	مدیر مدرسه	۲۷
۲۴	مرد	۳۸	مدیر مدرسه	۱۳
۲۵	زن	۴۹	مدیر مدرسه	۲۱

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعداد ۴ مضمون اصلی و ۱۳ مضمون فرعی از ۱۲۷ کد استخراج شده از مصاحبه‌های مکتوب شده حاصل گردید که در جدول شماره ۲ این مضامین ارائه شده است.

جدول ۲: مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی
فرصت‌های فردی	۱. امکان توسعه ایده‌ها ۲. افزایش اطلاعات عمومی فراگیران ۳. امکان مشارکت در تولید محتوا
فرصت‌های اجتماعی	۱. اشتراک‌گذاری ایده‌ها ۲. توسعه سواد رسانه‌ای
چالش‌های اجتماعی	۱. انزوای اجتماعی ۲. حذف تعاملات سنتی معلم- دانش آموز ۳. نداشتن محدودیت‌های اخلاقی ۴. رواج بی صداقتی تحصیلی
چالش‌های فردی	۱. ایجاد هویت پنهان ۲. خود کنترلی کاذب ۳. عدم خود مدیریتی ۴. کسالت تحصیلی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، چالش‌های فردی به‌عنوان یکی از مضامین اصلی در رابطه با چالش‌ها و فرصت‌های آموزش در فضای مجازی است. مهم‌ترین چالش‌های فردی در دوران بحران، به شرح زیر است:

۱. ایجاد هویت پنهان

« فضای مجازی به فضای تعاملی اینترنت اطلاق می‌شود که در آن افراد در درون آن با هویت‌هایی پنهان به مثابه پیام‌هایی بر صفحات رایانه حضور می‌یابند. » (شرکت‌کننده شماره ۱)

۲. خودکنترلی کاذب

« شبکه‌های اجتماعی که اساس آموزش در فضای مجازی است چرا که بدون گروه‌های آموزشی دسترسی به مخاطبان غیر ممکن است، با قابلیت‌هایی که در اختیار فرد قرار می‌دهد مانند ایجاد محیطی شخصی، انتخاب دوستان، آزادی در بیان نظرات و مخالفت با نظرات دیگران، آزادی در استفاده از تفریحات مختلف و... حسی از کنترل شخصی و اراده فردی را به کاربر خود منتقل می‌کنند. این آزادی عمل و حس کنترل کاذب، یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش افراد به خصوص جوانان به شبکه‌های اجتماعی است. » (شرکت‌کننده شماره ۲)

۳) عدم خود مدیریتی

«امروز دیگر نمی‌توان با نسخه حذف فضای مجازی برای زندگی‌ها تجویز کرد و توقع داشت که افراد فضای مجازی را از زندگی خود حذف کنند؛ اما نکته مهم در این میان مدیریت ماجراست. برخی افراد بدون هیچ محدودیت زمانی، ساعات بسیاری از شبانه‌روز خود را صرف حضور در فضای مجازی می‌کنند بدون اینکه هدف مشخصی برای این کار داشته باشند. برخی بر حسب عادت روزگار خود را در فضای مجازی می‌گذرانند و برخی هم کاملاً به آن اعتیاد پیدا کرده‌اند و نمی‌توانند خود را از فضای مجازی دور کنند. عده‌ای هم عنان زندگی خود را به فضای مجازی سپرده‌اند و هر چیز واقعی و غیر واقعی که در آن می‌بینند، باور می‌کنند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند و تمام زندگیشان متأثر از این فضا است. » (شرکت‌کننده شماره ۱)

۴) کسالت تحصیلی

« ضعف زیرساختی در آموزش آنلاین، معلمان بی تجربه در آموزش مجازی-معلمان و مدرسان زبده در آموزش و پرورش، اغلب تجربه کار در آموزش آنلاین را ندارند. این موضوع باعث می شود تا در بسیاری از موقعیت‌ها، واکنش درست را نداشته باشند. ضعف آموزش در کلاس مجازی باعث می شود تا هم معلمان و هم دانش آموزان، از برگزاری این کلاس‌های آنلاین دلسرد شوند. نتیجه این چرخه، دشوار شدن کار والدین در رفع اشکال فرزندان در آموزش خانگی است.» (شرکت کننده شماره ۷).

همچنین می توان از مهم ترین چالش اجتماعی آموزش در فضای مجازی به موارد زیر اشاره کرد:

۵) انزوای اجتماعی

« آموزش در فضای مجازی دارای فرصت‌های علمی و ارتباط‌های اجتماعی برای نوجوانان و جوانان است؛ اما استفاده بی رویه دانش آموزان و جوانان از فضای مجازی منجر به انزوای آنان شده است.» (شرکت کننده شماره ۲۲)

۶) حذف تعاملات سنتی معلم و فراگیر

« مثلاً در خصوص آموزش‌های مجازی یکی از دشوارترین مراحل برای دانش آموزان به ویژه در پایه‌های متوسطه، مرحله رفع اشکال است. اگرچه در کلاس مجازی فرصتی جداگانه برای سؤال و جواب در نظر گرفته شده، اما نمی تواند جایگزین رفع اشکال به صورت حضوری باشد. در کلاس‌های حضوری فرصت بیشتری برای برطرف کردن ابهامات وجود دارد. به همین دلیل از لحظه خرید کتاب درسی و ارائه مباحث مورد نظر، معلم با دانش آموزان ارتباط مستقیم دارد. این موضوع باعث می شود که مباحث صریح تر انتقال یابند و اشکالات با سرعت بیشتری رفع شوند. در کلاس مجازی پاسخ‌ها ممکن است کوتاه‌تر از معمول و با توجه به فرصت کم کلاس آنلاین باشد. این مسئله باعث سردرگمی دانش آموزان شده و در نهایت او را با کوهی از مشکلات ریز و درشت

درسی مواجه می‌کند. مدیریت دانش آموزان در کلاس مجازی، راه پرپیچ و خم معلمان و والدین می‌باشد (شرکت کننده، ۱۷).

بازیگوشی دانش آموزان پشت نیمکت‌های مدرسه، واکنشی طبیعی به ویژه در پایه‌های پایین‌تر تحصیلی است. با این حال چارچوب‌ها و قوانین تعریف شده در کلاس‌های حضوری، فرایند مدیریت کلاس را برای معلمان ساده‌تر کرده است. کلاس مجازی اگرچه قوانین مشخصی دارد، اما نمی‌تواند به نظم و دقت کلاس‌های حضوری برگزار شود. در این شرایط معلمان و والدین قوانین پیچیده‌تر و سختگیرانه‌تری برای دانش آموزان ایجاد کنند تا آن‌ها را ناچار به دنبال کردن مباحث کلاس درسی کنند. این شیوه سختگیرانه ممکن است پس از مدتی باعث ایجاد دلزدگی دانش آموزان از درس شود» (شرکت کننده شماره ۴، شرکت کننده شماره ۱۰ و شرکت کننده شماره ۱۲).

۷) نداشتن محدودیت اخلاقی

«از نظر فلسفی سیطره‌شیء تکنولوژیکی و جلوه‌های آن در فضای مجازی به کاهش مسئولیت‌پذیری، درگیری با مقوله معنا، تعالی‌جویی و مواجهات اخلاقی منجر شده است. به طور مثال معلمان و سایر همکلاسی‌ها پیام‌ها و صداهایی که دور از شأن یک محیط علمی است از فراگیران خود به صورت ناشناس دریافت می‌کنند که سلامت روانی معلمان و سایر افراد را به خطر می‌اندازد» (شرکت کننده شماره ۶؛ ۱۰؛ ۲۵).

«آموزش در فضای مجازی اول از همه، صداقت تحصیلی فراگیران را نشانه گرفته است. چرا که ارسال پاسخ‌های دیگری سریع‌ترین راه برای گرفتن نمره مطلوب می‌باشد.» (شرکت کننده شماره ۵)

مطابق با مبانی نظری، در پژوهش حاضر، فرصت‌های فردی آموزش در فضای مجازی به سه مضمون فرعی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۱) امکان توسعه ایده‌ها

«آموزش در فضای مجازی علی رغم تصور عمومی که یک طرفه است می تواند دو سویه و فعال باشد. این بار فراگیران می توانند ایده های خود را در قالب تولید محتوا برای سایر همکلاسی های خود ارائه دهند» (شرکت کننده شماره ۷)

۲) افزایش اطلاعات عمومی فراگیران در رابطه با آموزش و پرورش

«می توان گفت که یکی از فرصت ها، بهره گیری از تازه ترین آگاهی ها در آموزش و پرورش است دانش آموزان سده بیست و یکم همانند جامعه سازمان یافته ای هستند که به آموزش آموخته های سازماندهی گروه های رسمی و غیر رسمی، در راستای رشد درک فناوری و بهره گیری از آن در تنظیم خط مشی ها و سیاست های آموزشی نیاز دارند. شهروندان آتی نیازمندند که برنامه زندگی خودشان را با خط مشی های نوگرایانه از یکسو و رعایت اصول بردن کیفیت یادگیری، کمک به ایجاد برابری آموزشی و اعتلای اثربخشی از سوی دیگر، هماهنگ کنند. شهروندانی که توانایی تهیه لوازم اینترنت را دارند، به آسانی می توانند دانستنی های روزآمد را از آن سوی جهان دریافت دارند و همزمان اطلاعاتی نو تولید کنند و در دسترس شنوندگان و بینندگان خود قرار دهند.» (شرکت کننده شماره ۸)

۳) امکان مشارکت در تولید محتوا

«در ماه های ابتدایی راه اندازی آموزش از راه دور، عمده کاربرد آن ها معطوف به افراد حقیقی بود. در حقیقت آن زمان امید و انگیزه در شبکه های آموزش از راه دور، در میان کاربران موج می زد. همین امر موجب تبدیل دنیای مجازی به محلی برای پرورش ایده ها و یافتن راهکارهای جدید برای توسعه مهارت های علمی و تولید محتوا توسط خود فراگیران شود.» (شرکت کننده شماره ۳)

در نهایت می توان گفت که چهارمین مضمون اصلی فرصت ها و چالش های آموزش در فضای مجازی، فرصت های اجتماعی بود که در پژوهش حاضر به دو مضمون فرعی به شرح زیر تقسیم می شود:

۱) اشتراک گذاری ایده ها

« تشکیل گروه‌ها و کانال‌های فرهنگی-مذهبی، تشکیل کارگروه‌ها و سازمان‌های تخصصی فرهنگی-مذهبی، استفاده از مطالب جذاب با محتوای مناسب فرهنگی-مذهبی در فضای مجازی، بومی سازی فضای مجازی، در توسعه فعالیت‌های فرهنگی-مذهبی، اشتراک گذاشتن فعالیت‌های فرهنگی-مذهبی در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از الگوهای فرهنگی و اسلامی در فضای مجازی مس تواند در جهت اشتراک‌گذاری و ثبت ایده‌ها باشد.» (شرکت‌کننده شماره ۵).

(۲) توسعه سواد رسانه‌ای

« فضای مجازی، به عنوان فضای دومی از زندگی واقعی است که مانند فضای واقعی، نیازمند فرهنگ است. این فرهنگ، همان گونه که در فضای واقعی، از عوامل متعددی مانند عرف، شرع، وضعیت اقتصادی و معیشتی، سطح تحصیلات و غیره ناشی می‌شود، در فضای مجازی نیز از همین عوامل تأثیر پذیرفته، بر این عوامل نیز تأثیر می‌گذارد (شرکت‌کننده، ۱۵). حضور در کلاس‌های آموزش از راه دور به نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و شیوه استفاده صحیح از آن‌ها را یادآوری می‌کند و به نوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم سواد رسانه‌ای آنان را ارتقا می‌بخشد. (شرکت‌کننده شماره ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم آموزشی در فضای مجازی برای گذر از بحران‌ها بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مقوله‌های اصلی شناسایی شده در این پژوهش شامل «چالش‌های فردی»، «چالش‌های اجتماعی» و «فرصت‌های فردی» و «فرصت‌های اجتماعی» می‌شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش فرصت‌های فردی پیش روی سیستم آموزشی دانشگاه‌ها در فضای مجازی برای گذر از بحران شامل امکان توسعه ایده‌ها، افزایش اطلاعات عمومی، امکان مشارکت در تولید محتوا و در نهایت یافته‌های این پژوهش تعامل فعال با سایر مخاطبان، اشتراک‌گذاری ایده‌ها، توسعه سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی مخاطب از فرایند آموزش و پرورش به عنوان فرصت‌های اجتماعی شناسایی کرده است. چالش‌های فردی مشتمل بر ایجاد هویت پنهان، خودکنترلی کاذب، عدم خودمدیریتی، عدم رشد تفکر انتقادی، کسالت تحصیلی و چالش‌های

اجتماعی شامل انزوای اجتماعی، حذف تعاملات سنتی معلم- دانش آموز، نداشتن محدودیت‌های اخلاقی می‌شوند.

یافته‌های این پژوهش در خصوص فرصت‌های اجتماعی موجود در بهره‌مندی از فضای مجازی در سیستم آموزشی دانشگاهی در تحقیقات گذشته مانند (Mirani & et al, 2021) با تاکید بر تعاملات سریع و فراگیر؛ (Mohagheghi & et al, 2022) توسعه سواد دیجیتال استفاده کنندگان از فضای مجازی و در نهایت با بخشی از تحقیق (Linden & et al, 2021) مبنی بر گسترش دانش اجتماعی و خلق ایده‌های جدید همسو و هماهنگی دارد. بهره‌مندی از فضای مجازی را می‌توان با ایجاد کسب و کارهای نوین؛ گسترده شدن دامنه استفاده کنندگان از اینترنت، ایجاد و بر فراز خلاقیت و ایده‌ها شکل گرفته، به اشتغال و درآمدزایی در فضای مجازی واقعیت بخشیده و برای حمایت از این کسب و کارها و تجاری‌سازی ایده‌های نوین آنلاین در این بستر عزم‌ها جزم شده است.

در راستای افزایش اطلاعات عمومی فراگیران بعنوان مضمون فرعی مقوله فرصت‌های اجتماعی به نظر می‌رسد ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی از قبیل رایانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی اینترنتی و اینترنتی به حوزه آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، موقعیت مناسبی است برای انجام یک سری از اصلاحات و نوآوری‌های آموزش مجازی که حاصل آن افزایش کارایی و اثربخشی نظام آموزش و پرورش خواهد بود و فراگیران در فضای اینترنت، با توجه به علائق خود، می‌توانند در تیم‌های یادگیری ویژه عضو شوند. این تیم‌ها به فعالیت‌های ویژه‌ای مانند طراحی یا فعالیت‌های شناختی به شکل آموزش مجازی می‌پردازند و منجر به توسعه‌ی اطلاعات و دانش عمومی فراگیران می‌شود.

در خصوص مؤلفه و مضمون فرعی "اشتراک‌گذاری محتوا و امکان مشارکت در تولید محتوا" آنچه مسلم است اینکه فضای حاکم بر هر جامعه، شکل و نوع ارتباطات، صمیمیت و اعتماد موجود بین طرفین یک رابطه می‌تواند به عنوان عواملی بازدارنده و یا توانمندساز بر فرایند اشتراک‌گذاری دانشی تأثیر بگذارند. انزوای اجتماعی به عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی، به صورت مکرر از طرف مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شد. در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که امروزه حضور شبکه‌های اجتماعی در زندگی اجتماعی شهروندان بخش جدایی ناپذیری از زندگی شده‌اند. هرچند

نمی‌توان منکر برخی محاسن این شبکه‌ها شد، اما استفاده غیرمعمول از این شبکه‌ها پیامدهای نامطلوبی را برای جامعه و افراد به دنبال خواهد داشت. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اثر معناداری بر انزوای اجتماعی، شدت ارتباطات خانوادگی، عضویت در گروه‌های واقعی، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، تعارض ارزش‌ها و گسترش ارتباطات نامتعارف داشته‌اند، اما میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد تفاوت معناداری را نداشته، هرچند بر اساس جنسیت متفاوت بوده و مردان بیش از زنان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

مضمون فرعی دیگری که در مقوله دوم یعنی چالش‌های اجتماعی مطرح است حذف تعاملات سنتی معلم- دانش آموز است با توجه به از بین رفتن عملی تعاملات چهره به چهره در آموزش‌های مجازی، نبود ارتباط چهره به چهره معلم و دانش آموزان، بیسوادی برخی والدین و ناتوانی آن‌ها در هدایت تحصیلی فرزندان و رفع اشکالات درسی آن‌ها، مشغله فراوان برخی والدین در پی خسارات اقتصادی و معیشتی ناشی از شیوع ویروس کرونا، بی توجهی دانش آموزان به آموزش‌ها، سرگرم شدن دانش آموزان در دنیای مجازی و کاهش ساعات درسی در بستر فضای مجازی، فراق طولانی آنان در خانه و انجام ندادن تکالیف و عدم تلاش برای رفع اشکالات درسی را می‌توان از جمله دلایل اصلی افت تحصیلی دانش آموزان نام برد.

مضمون فرعی سوم در مقوله چالش‌های اجتماعی نداشتن محدودیت‌های اخلاقی است؛ که با نتایج پژوهش (Moradi & Kordlo, 2019) مبنی بر وجود تنگناهای اخلاقی مانند نقض حریم خصوصی، محدودیت دسترسی به استادان، ضعف روابط استاد و دانشجویان و فقدان الگوگیری اخلاقی از مدرسان همسویی و هماهنگی وجود دارد. تنگناهای اخلاقی مربوط به مربوط به دانشجویان شامل عدم صداقت آکادمیک، ترویج فریب کاری، کاهش تعهد و پایداری و سوء استفاده از فناوری است. تنگناهای اخلاقی مربوط به مربوط به دانشگاه نیز شامل فقدان جنبه تربیتی و پرورشی، پاسخ‌گویی کم به دانشجویان، برگزاری ضعیف دوره‌های مهارتی و نقص در سیستم ارزیابی و وجود حباب نمره است. نتایج نشان داد که علی‌رغم فرصت‌های منحصر بفرد آموزش‌های آنلاین، به دلیل فقدان ارتباط چهره به چهره و عدم الگوگیری اخلاقی دانشجویان از رفتارهای واقعی استاد زمینه رشد اخلاقی چندان

فراهم نیست، اما این خلاء را می‌توان با تعاملی‌تر کردن محیط یادگیری و استفاده بیشتر از فناوری‌های چندرسانه‌ای پر کرد.

چهارمین مؤلفه فرعی از مقوله چالش‌های اجتماعی، رواج بی‌صدقاتی تحصیلی است^۰ که شامل عدول از اصول اخلاقی و قوانین در انجام تکالیف تحصیلی است که برای فرد امتیاز یا اعتبار علمی و آموزشی به همراه دارد. تحول اخلاقی و سطح درونی شدن اخلاقیات از جمله عوامل تعیین‌کننده‌ی بی‌صدقاتی تحصیلی به حساب می‌آید.

یکی از مؤلفه‌های فرعی استخراج شده از مفهوم "چالش‌های فردی" در فضای مجازی ایجاد هویت پنهان است. فرآیند هویت‌یابی در دوران مدرن تغییر شکل داده است. در گذشته، "مکان" نقش کلیدی در خلق هویت اجتماعی افراد داشت، چرا که افراد در محیط‌های کوچک و بسته زندگی می‌کردند و هویت اجتماعی آن‌ها از طریق ارتباط رودررو با اطرافیان‌شان در یک محیط ثابت شکل می‌گرفت. افراد کمتر با دنیای خارج ارتباط داشتند و سنت‌های بومی-محلی بخش اعظم هویت آن‌ها را شکل می‌داد. بدنال مدرنیته و خصوصاً بدنال ظهور تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش مکان در شکل دهی به هویت بسیار کمرنگ شد، چرا که رسانه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی قادرند فرد را از مکان خودش جدا کنند و به جهان پیوند بزنند، در نتیجه افراد با منابع هویت‌یابی متکثری روبه‌رو هستند و هویت‌یابی شکلی غیر محلی و جهانی پیدا کرده است. در پژوهش (Fernandes & et al, 2023) بر چالش‌های فردی مانند بحران هویت اجتماعی و مشکلات مربوط به سواد دیجیتالی کاربران اشاره شده است از این رو می‌توان گفت با نتایج این پژوهش همسویی و همکاهنگی دارد.

مضمون فرعی دیگری که در مؤلفه چالش‌های فردی مطرح است موضوع خودکنترلی کاذب در فضای مجازی است. فضای سایبر که به علت بهره‌مندی گسترده افراد از آن به خصوص برای کودکان و نوجوانانی که آموزش‌های لازم را در ورود به دنیای مجازی نیاموخته‌اند منجر به بروز مشکلات و گرفتاری‌های فراوانی شده است که به طور خلاصه عبارت‌اند از: در دسترس قرار گرفتن علوم فراوان؛ یک دفعه دانش و علوم فراوانی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گرفته می‌شود که آفت دانش زودهنگام یعنی فراگیری عمومی که شرایط سنی هنوز به ضرورت و زمینه لازم برای آن

نرسیده است. گشت زنی‌های طولانی مدت در سایت‌ها بستری برای اعتیاد به فضای مجازی را در آن‌ها شکل می‌دهد که خارج از شرایط سنی آن‌ها قرار دارد. این مورد حتی می‌تواند به فرآیند رشد جسمانی کودکان و نوجوانان آسیب وارد کند. افزون بر آثار تخریبی بر جسم، روح، روان و شخصیت کودکان و نوجوانان در معرض خطر قرار می‌گیرد. این گروه متاسفانه مهارت خودکنترلی را نیز نیاموخته و این می‌تواند خطرات را چندین برابر سازد. این‌ها مشکلاتی است که متاسفانه کودک و نوجوان امروز ما چون استفاده افراطی از فضای مجازی دارد در معرض آن‌ها است. ما باید این کودکان و نوجوانان را با مهارت‌های لازم آشنا کنیم. باید بر فعالیت آن‌ها در فضای مجازی نظارت دقیقی وجود داشته باشد.

یکی از موارد دیگری که در چالش‌های فردی مربوط به فضای مجازی مورد توجه قرار می‌گیرد عدم خود مدیریتی در این فضا است. امروزه فضای مجازی چنان نوجوانان و جوانان را در بازار رنگارنگ خود فرو برده است که گویی هرگز خبری از بازی‌ها و فعالیت‌های دسته‌جمعی آنان نبوده است. دانش آموز در فضای مجازی بدون توجه به هویت سعی در ارائه افکار و علایق و اندیشه‌های خود دارد که این بسیار خطرناک است. این روزها شاهد اعتیاد اینترنتی جوانان و نوجوانان به ویژه دانش آموزان هستیم؛ در حالی که جوانان در این محیط‌ها آسیب‌پذیری بسیاری دارند. پرسه زدن بی رویه و بی هدف و عدم مدیریت آن، برای دانش آموزان در فضای مجازی، یک آفت آموزشی و تربیتی است. به گونه‌ای که سبب نگرانی خانواده‌ها، مدیران و معلمان به دلیل عدم استفاده صحیح از این فضا شده است. فضای دنیای مجازی با عمق بسیار زیاد که ورود به آن آسان اما خارج شدن از آن نگاه با ضربات روحی و جسمی همراه است، می‌تواند تا مدت‌ها بار ذهنی برای کاربران داشته باشد. تأثیرات پرسه زنی بی‌هدف در این فضا بر ذهن دانش آموزان بیشتر است که بی‌حوصلگی، عدم تمرکز فکری، افت تحصیلی و عدم موفقیت در تحصیل می‌تواند از تبعات آن باشد.

کسالت تحصیلی چهارمین مضمون فرعی از چالش‌های فردی فضای مجازی محسوب می‌شود. امروزه به دلیل شیوع کرونا کلاس‌های مدارس به طور آنلاین برگزار می‌شود اما اغلب شاهد هستیم، کودکان آموزش‌های آنلاین مدرسه را در رختخواب با چشمانی نیمه‌باز و با کسالت پیگیری

می‌کنند. در حالی که کودکان قرار است مسئولیت‌پذیر شوند و مهارت‌های ارتباطی را یاد بگیرند، والدین مسئول‌تر از همیشه در کنارشان به پیگیری یا شاید آموختن مسائل درسی می‌پردازند و تلاش می‌کنند خودشان را با سرعت آموزش معلمان همراه کنند. پیشرفت تکنولوژی باعث شده این روزها حتی در خانه از بهترین و مفیدترین امکانات آموزشی استفاده کنیم. اما باید این را بدانیم هر فناوری و روش جدیدی هر چند پرکاربرد، مزایا و معایبی دارد. مزایا و معایب آموزش مجازی نیز از جمله موضوعاتی است که این روزها مورد توجه زیادی قرار گرفته است؛ و بسیاری از والدین و دانش‌آموزان را سردرگم کرده است. والدین نگران از اینکه فرزندانشان با افت تحصیلی روبه‌رو خواهند شد و انگیزه‌شان برای ادامه تحصیل به شدت کاهش می‌یابد و به بی‌نظمی و تن‌پروری عادت خواهند کرد و دانش‌آموزان نیز سردرگم از اینکه چگونه می‌توانند سال تحصیلی جدید را با موفقیت پشت سر بگذارند در صورتی که نمی‌توانند فکرشان را متمرکز کنند و حتی سر کلاس آنلاین هم به زحمت حاضر می‌شوند و آنگونه که در کلاس‌های حضوری و چهره‌به‌چهره شورو شوقی دیده می‌شود در مدل آموزش‌های مجازی شاهد نوعی کسالت و بی‌حوصلگی تحصیلی هستیم.

یکی از موارد مورد توجه در مقوله فرصت‌های اجتماعی، اشتراک‌گذاری ایده‌هاست. فضای مجازی، دنیای وسیع و پیچیده‌ای است که گروه‌ها و افراد مختلف با گرایش‌ها، باورها و اعتقادات گوناگون در آن زندگی می‌کنند. واژه زندگی در این فضا به اشتباه به کار نرفته است چرا که توأمان و همگام با دنیای واقعی و شاید بیشتر، بر وجود آدمی و باورهایش اثر می‌گذارد. شبکه‌های اجتماعی از گروه‌هایی عموماً "فردی یا سازمانی تشکیل شده‌اند که از طریق یک یا چند نوع از وابستگی‌ها به هم متصل‌اند و در بستر یک جامعه اطلاعاتی پیچیده، کارکرد مؤثر شبکه همگرا را تصویر می‌کشند و موفقیت و محبوبیت آن‌ها به دلیل داشتن رنگ و بوی اجتماعی و اشتراک ایده‌ها و نظرات است.

با توجه به زندگی در عصر اینترنت و استفاده روزافزون دانش‌آموزان از این رسانه تعاملی و ازسویی افزایش آسیب‌های اجتماعی نوپدید فضای مجازی، ارتقای سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این نوع آسیب‌ها و استفاده نقادانه و هوشمندانه از اینترنت داشته باشد. مؤثرترین راه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی نوپدید ناشی از فضای مجازی و رسانه‌ها، علاوه بر تصویب قوانین، کسب آموزش‌های تخصصی و امنیتی استفاده از اینترنت و در مجموع، ارتقای سطح سواد رسانه‌ای است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهادهایی را می‌توان در جهت بهره‌مندی بهتر از فضای مجازی در سیستم‌های آموزشی برای گذر از بحران‌ها ارائه کرد. زمینه ارتباطات اجتماعی دانش‌آموزان با معلمان، به کارگیری فناوری‌های تعاملی چندرسانه‌ای، سیستم‌های آموزشی و پژوهشی، اجتماعات علمی و برنامه‌های مفرح فراهم گردد. زمینه‌سازی آموزش اثربخش مجازی، در هر دو جنبه آموزش و تربیت، مستلزم وجود زمینه تعامل فعال دانش‌آموزان با محتوا، معلم، کادر اجرایی مدرسه، هم‌کلاسی‌ها و در معنای گسترده، مدرسه است که می‌تواند به گونه‌ای آثار ناخواسته عدم حضور در اجتماع، از جمله ضعف تربیت را به حداقل رساند. معلم باید توانایی‌های مختلف دانش‌آموزان مجازی را با زندگی در کلاس درس مجازی درهم آمیزد. دانش‌آموزان مجازی باید به جای درگیر شدن با مفاهیم انتزاعی که به شکل سخنرانی یک سویه در کلاس انجام می‌دهد، فعالیت‌های درسی مسئله محور و پژوهش محور در اختیار داشته باشد. در این صورت، دانش‌آموز با معلم وارد بحث و مذاکره می‌شود و در انجام پروژه‌های درسی درگیر و فعال می‌شود و معلم با ارائه تکالیف جذاب و محتواهای متناسب با علایق و توانمندی دانش‌آموزان آن‌ها را به فرایند آموزش بازگرداند برقراری ارتباط مناسب و اثربخش با اولیا دانش‌آموزان جهت جلب مشارکت در فرایندهای کلاسی می‌تواند تا حدی مشکلات را برای معلمان هموار سازد. با ایجاد فرایند والد-معلمی، به والدین این احساس منتقل می‌شود که نقش تأثیرگذاری در فرایند آموزشی دارند که این امر باعث ایجاد و تقویت احساس اعتماد به نفس در آنان و همچنین کمک به فرزندان باعث ارتقا سطح سواد آموزشی در آنان می‌گردد. ایجاد کارگاه‌های آموزشی تولید محتوا می‌تواند راه کار مناسبی برای تقویت توانمندی آنان در زمینه شیوه‌های تدریس متنوع گردد. همچنین پیش‌بینی راه کارهایی در جهت تأمین هزینه‌های مالی می‌تواند فشار روانی حاصل از حضور در این کلاس‌ها را برای دانش‌آموزان و اولیا به حداقل برساند.

References

- Ang, W. H. D., Shorey, S., Lopez, V., Chew, H. S. J., & Lau, Y. (2021). Generation Z undergraduate students' resilience during the COVID-19 pandemic: a qualitative study. *Current Psychology*, 1-15 .
- Antonopoulou, H., Halkiopoulos, C., Barlou, O., & Beligiannis, G. N. (2021). Transformational leadership and digital skills in higher education institutes: during the COVID-19 pandemic. *Emerging science journal*, 5(1), 1-15 .
- Arnett, J. (2000). A Theory of Development Erikson, EH (1989). *Identitas dan Siklus*, 469-480 .
- Bailey, K. A. (2020). Indigenous students: Resilient and empowered in the midst of racism and lateral violence. *Ethnic and Racial Studies*, 43(6), 1032-1051 .
- Charles, N. E., Strong, S. J., Burns, L. C., Bullerjahn, M. R., & Serafine, K. M. (2021). Increased mood disorder symptoms, perceived stress, and alcohol use among college students during the COVID-19 pandemic. *Psychiatry research*, 296, 113706.
- Dan Schawbel. (2014). Gen Z Employees: The 5 Attributes You Need to Know. Retrieved from <http://www.entrepreneur.com/article/236560>...
- Fernandes, S., Mahendiran, S., & Balasudarsun, N. L. (2023). Teachers' assessment of the challenges faced during COVID-19 outbreak and new-normal teaching: qualitative study. *Journal of Applied Research in Higher Education*.
- Flores, M. A. (2020). Preparing teachers to teach in complex settings: Opportunities for professional learning and development. *European Journal of Teacher Education*, 43(3), 297–300.
- Hadar, L. L., et al. (2020). "Rethinking teacher education in a VUCA world: student teachers' social-emotional competencies during the Covid-19 crisis." *European journal of teacher education* 43(4): 573-586.
- Hajizadeh, A., Azizi, G., & Keyhan, G. (2021). Analyzing the opportunities and challenges of e-learning in the Corona era: An approach to the development of e-learning in the post-Corona. *Research in Teaching*, 9(1), 204-174.
- Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Marconi, V. C. (2016). Code Saturation Versus Meaning Saturation: How Many Interviews Are Enough? *Qualitative Health Research*, 27(4), 591-608. doi:10.1177/1049732316665344
- Hildebrandt, M. (2021). "Creativity and Resilience in Art Students During COVID-19." *Art Education* 74(1): 17-18.
- Kadir, A. A. (2020). "Planned problem-solving strategy, resilience and element of religion in coping of covid 19 disease in Malaysia." *International Journal of Psychosocial Rehabilitation* 24.(. ')
- Karataş, Z. and Ö. Tagay. (2021). "The relationships between resilience of the adults affected by the covid pandemic in Turkey and Covid-19 fear, meaning in life, life satisfaction, intolerance of uncertainty and hope." *Personality and Individual Differences* 172: 110592 .

- Linden, B., Monaghan, C., Zheng, S., Rose, J., & Mahar, A. (2021). A Cross-sectional Analysis of the Impact of COVID-19 Related Stressors on Canadian University Students' Mental Health and Wellbeing.
- Meletioui-Mavrotheris, M., Konstantinou, P., Katzis, K., Stylianidou, N., & Sofianidis, A. (2023). Primary School Teachers' Perspectives on Emergency Remote Teaching of Mathematics: Challenges and Opportunities for the Post-COVID-19 Era. *Education Sciences*, 13(3), 243.
- Mirani, Jalal, Moazzami, Mojtabi, and Mohammadi Moghadam, Yusuf. (2021). Providing a model of online education in critical conditions for the higher education system. *Education in law enforcement sciences*, 10(38), 11-42.
- Mohagheghi, Mohammad Ali, Tabrizchi, Narges, Khayamzadeh, Maryam, Tabatabai Far, Seyed Mahmoud, Sajjadi, Seyed Jamaluddin, Qasimzadeh, Nazafarin, Mubasher, Mina, and Seyedi, Seyed Mehdi. (2022). The mission of professors in the moral and spiritual education of students of higher health education, explored in social crises and inflammations and other unusual conditions. *Culture and Health Promotion*, 6(3), 378-387.
- Moradi, A., & Kordlo, M. (2019). Phenomenology of ethical bottlenecks in e-learning in Iranian virtual higher education. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 9(36), 76-61.
- O'Neill, M. and P. H. Bowers. (2020). "Resilience among homeless college students: co-constructed explorations." *Journal of Social Distress and Homelessness* 29(1): 65-70.
- Okeke, C., & Wyk, M. (2015). *Educational Research: An African Approach* (1 ed.). Southern Africa: Oxford University Press.
- Patton, M. Q. (2002). Two decades of developments in qualitative inquiry: A personal, experiential perspective. *Qualitative social work*, 1(3), 261-283.
- Ramezani G, Aalaa M, Norouzi A. (2020). Coronavirus pandemic and the need to review and change the content of medical science curricula. *Iranian Journal of Medical Education*; 20 :114-115
- Shenoy, V., Mahendra, S., & Vijay, N. (2020). COVID 19 lockdown technology adaption, teaching, learning, students engagement and faculty experience. *Mukt Shabd Journal*, 9(4), 698-702.
- Tang, W., et al. (2020). "Prevalence and correlates of PTSD and depressive symptoms one month after the outbreak of the COVID-19 epidemic in a sample of home-quarantined Chinese university students." *Journal of affective disorders* 274: 1-7.
- Tzankova, I., Compare, C., Marzana, D., Guarino, A., Di Napoli, I., Rochira, A., ... & Albanesi, C. (2023). Emergency online school learning during COVID-19 lockdown: A qualitative study of adolescents' experiences in Italy. *Current Psychology*, 42(15), 12743-12755.

Van der Spoel, I., et al. (2020). "Teachers' online teaching expectations and experiences during the Covid19-pandemic in the Netherlands." *European journal of teacher education* 43(4): 623-638.